

Communication with Non-Mahram in Cyberspace from the Perspective of Shiite Jurisprudence

1. Fatemeh Vahedi Kabiri: PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran
2. Mostafa Rajaepour*: Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. Email: mostafarajae@yahoo.com (Corresponding Author)
3. Mohsen Razmi: Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

ABSTRACT

Cyberspace, as a new phenomenon in the era of communication, has had widespread impacts on social, cultural, and individual relationships. One of the major challenges posed by this space is the issue of illicit communication between non-mahrams, which can have significant negative consequences for both individuals and society. This article examines communication with non-mahrams in cyberspace from the perspective of Shiite jurisprudence and aims to provide solutions for managing these interactions in the digital environment by analyzing relevant legal rulings. The study explores the features of cyberspace and compares it with the physical world, analyzing jurisprudential principles such as the prohibition of unnecessary gaze, touch, and seclusion with non-mahrams in this space. Additionally, given the influence of cyberspace on human relationships, the paper suggests several jurisprudential solutions for regulating and monitoring users' activities, such as promoting ethical teachings, religious supervision, utilizing regulatory tools like filtering, and developing deterrent laws. Finally, the article emphasizes the need for collaboration among religious, social, and judicial institutions to manage cyberspace in an ethical and legal manner, and highlights the importance of family and community in educating and explaining religious rulings to the younger generation.

Keywords: *Cyberspace, Communication with Non-Mahram, Shiite Jurisprudence, Religious Supervision.*

How to cite: Vahedi Kabiri, F., Rajaepour, M., & Razmi, M. (2025). Communication with Non-Mahram in Cyberspace from the Perspective of Shiite Jurisprudence. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(2), 44-60.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 09 December 2024
Revise Date: 02 February 2025
Accept Date: 15 February 2025
Publish Date: 07 July 2025



ارتباط با نامحرم در فضای مجازی از دیدگاه فقه امامیه

۱. فاطمه واحدی کبیری: دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

۲. مصطفی رجائی پور*: دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. پست الکترونیک: mostafarajae@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۳. محسن رزمی: استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

چکیده

فضای مجازی به عنوان یک پدیده نوین در عصر ارتباطات، تأثیرات گسترده‌ای بر روابط اجتماعی، فرهنگی و فردی انسان‌ها داشته است. یکی از چالش‌های مهمی که این فضا ایجاد کرده است، مسئله ارتباطات غیرشرعی میان نامحرمان است که می‌تواند پیامدهای منفی زیادی برای فرد و جامعه به دنبال داشته باشد. مقاله حاضر به بررسی ارتباط با نامحرم در فضای مجازی از دیدگاه فقه امامیه پرداخته و تلاش کرده است تا با تحلیل احکام فقهی مرتبط با این موضوع، راهکارهایی برای مدیریت این ارتباطات در محیط دیجیتال ارائه دهد. این تحقیق ضمن بررسی ویژگی‌های فضای مجازی و مقایسه آن با فضای حقیقی، به تحلیل اصول فقهی مانند حرمت نگاه، لمس غیرضروری و خلوت با نامحرم در این فضا پرداخته است. همچنین، با توجه به تأثیرات فضای مجازی بر روابط انسانی، راهکارهای فقهی برای کنترل و نظارت بر فعالیت‌های کاربران در این فضا مانند ترویج آموزه‌های اخلاقی، نظارت شرعی، استفاده از ابزارهای نظارتی نظیر فیلترینگ، و تدوین قوانین بازدارنده پیشنهاد شده است. در نهایت، مقاله به لزوم همکاری نهادهای دینی، اجتماعی و قضائی برای مدیریت اخلاقی و شرعی فضای مجازی تأکید کرده و نقش خانواده و جامعه در فرهنگ‌سازی و تبیین احکام دینی برای نسل جوان را مهم می‌داند.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، ارتباط با نامحرم، فقه امامیه، نظارت شرعی.

نحوه استناددهی: واحدی کبیری، فاطمه، رجائی پور، مصطفی، و رزمی، محسن. (۱۴۰۳). ارتباط با نامحرم در فضای مجازی از دیدگاه فقه امامیه. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۲۷(۲)، ۶۰-۴۴.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۹ آذر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۷ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۶ تیر ۱۴۰۴

فضای مجازی، پدیده‌ای نوین و تأثیرگذار در زندگی اجتماعی انسان‌ها، تغییرات بسیاری در تعاملات و ارتباطات اجتماعی ایجاد کرده است. این فضا که به واسطه پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات شکل گرفته، توانسته مرزهای فیزیکی و جغرافیایی را از بین ببرد و امکان ارتباطات فرامکانی را برای افراد فراهم سازد. فضای مجازی با ویژگی‌های خود، از جمله دسترسی آسان، ناشناسی کاربران، و سرعت انتقال اطلاعات، بستری مناسب برای تعاملات اجتماعی مختلف، از جمله ارتباطات بین افراد نامحرم، ایجاد کرده است. این ویژگی‌ها اگرچه دارای جنبه‌های مثبت بی‌شماری است، اما چالش‌های اخلاقی و اجتماعی جدیدی نیز به همراه داشته است که می‌تواند ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی جامعه، به‌ویژه در جوامع اسلامی، را تحت تأثیر قرار دهد (Berger & Luckmann, 1996).

تأثیرات فضای مجازی بر روابط اخلاقی و اجتماعی در جوامع اسلامی، با توجه به ماهیت این جوامع و اهمیت اصول و مبانی دینی در تنظیم تعاملات انسانی، نیازمند بررسی جدی است. از دیدگاه اسلام، حریم خصوصی، اخلاق فردی و اجتماعی، و رعایت حدود شرعی در روابط بین افراد، اصولی بنیادین به شمار می‌رود. فضای مجازی اما با فراهم کردن امکان ارتباطات بدون واسطه و بدون نظارت، می‌تواند زمینه‌ساز تجاوز به این حدود و تضعیف ارزش‌های اخلاقی شود. از جمله چالش‌های اخلاقی که در فضای مجازی مطرح است، ارتباطات نامحرم‌ان است که گاه به صورت غیرضروری و خارج از چارچوب‌های شرعی انجام می‌گیرد. این نوع تعاملات می‌تواند به مرور زمان منجر به تخریب بنیان‌های اخلاقی جامعه و گسترش رفتارهای ناهنجار شود (Hasanbeigi, 2005).

بررسی جایگاه احکام فقهی در تنظیم روابط در فضای مجازی، از اهمیت بالایی برخوردار است. فقه امامیه با دارا بودن اصول و قواعدی جامع و انعطاف‌پذیر، توانایی ارائه پاسخ به مسائل نوظهور در جوامع اسلامی را دارد. یکی از این مسائل، نحوه تنظیم روابط در فضای مجازی است که با فضای حقیقی تفاوت‌های بسیاری دارد. قواعد فقهی همچون حرمت اعانت بر اثم و قاعده نفی سیل، می‌توانند به عنوان چارچوبی برای تنظیم این روابط به کار گرفته شوند. اهمیت این موضوع نه تنها در پیشگیری از رفتارهای غیراخلاقی، بلکه در حفظ هویت دینی و اجتماعی جامعه اسلامی نیز مشهود است (Ansari, 1995).

ضرورت توجه به احکام شرعی در حفظ حریم اخلاقی در فضای مجازی، ناشی از افزایش تعاملات افراد در این فضا و کاهش نظارت مستقیم است. در جامعه‌ای که افراد به صورت گسترده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، رعایت اصول اخلاقی و شرعی باید به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی مطرح شود. این امر نیازمند فرهنگ‌سازی، آموزش، و تدوین قوانین و مقررات مبتنی بر احکام اسلامی است. برای مثال، استفاده از ابزارهای نظارتی مانند فیلترینگ و آموزش خانواده‌ها در زمینه نظارت بر فعالیت‌های فرزندان می‌تواند نقش مهمی در کاهش آسیب‌های فضای مجازی داشته باشد (Naqibi, 2010).

اهداف این پژوهش شامل تبیین احکام و اصول فقه امامیه در ارتباط با نامحرم و ارائه راه‌حل‌های فقهی برای کنترل روابط ناسالم در فضای مجازی است. از منظر فقه امامیه، ارتباطات نامحرم‌ان باید در چارچوب‌های مشخصی انجام شود تا از ایجاد زمینه‌های فساد و گناه جلوگیری شود. این پژوهش به دنبال آن است که با بررسی قواعد و اصول فقهی، راهکارهایی را برای مدیریت ارتباطات در فضای مجازی ارائه دهد. اصولی مانند قاعده سد ذرایع و حرمت اشاعه فحشا، می‌توانند در این زمینه راهگشا باشند (Bay & Pourghahremani, 2009).

پرسش‌های اصلی این تحقیق نیز بر دو محور اساسی متمرکز است: نخست، حکم فقهی ارتباط با نامحرم در فضای مجازی از منظر فقه امامیه چیست؟ دوم، چگونه قواعد فقهی می‌توانند در این فضا به کار گرفته شوند؟

فضای مجازی یکی از مفاهیم نوین در دنیای امروز است که به طور گسترده‌ای در تمامی ابعاد زندگی بشر وارد شده است. برای درک دقیق‌تر این مفهوم، لازم است ابتدا واژگان «فضا» و «مجازی» را از منظر لغوی و اصطلاحی بررسی کنیم. واژه «فضا» در لغت به معنای گستره، میدان، یا محیطی است که در آن فعالیت‌ها و تعاملات انسانی صورت می‌گیرد. این فضا می‌تواند به صورت فیزیکی، همچون فضای یک اتاق یا خیابان، یا به صورت غیرفیزیکی، مثل فضای ذهنی و اجتماعی، باشد. در این راستا، فضا به معنای محیطی است که برای انجام اعمال و فعالیت‌ها مناسب است و می‌تواند محدود یا نامحدود باشد (Ansari, 2008). در مقابل، واژه «مجازی» از ریشه «مجاز» به معنای چیزی است که به طور واقعی وجود ندارد اما از نظر کاربرد یا ویژگی‌هایی شبیه به آن است. در فضای مجازی، انسان‌ها قادرند به صورت غیرمادی و در یک محیط دیجیتال به تعاملات اجتماعی و اطلاعاتی بپردازند، بدون اینکه نیازی به حضور فیزیکی در یک مکان خاص داشته باشند. به عبارتی دیگر، فضای مجازی فضایی است که بر پایه‌ی تکنولوژی‌های دیجیتال و اینترنت ساخته شده و امکان ارتباط و تعامل انسان‌ها در آن به صورت غیرمادی و از طریق دستگاه‌های الکترونیکی فراهم می‌آید (Bay & Pourghahremani, 2009).

فضای مجازی به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود، تفاوت‌های زیادی با فضای حقیقی دارد. در فضای حقیقی، انسان‌ها برای برقراری ارتباط نیاز به حضور فیزیکی و تعامل مستقیم دارند. در حالی که در فضای مجازی، این تعاملات می‌تواند به صورت غیرمستقیم، بدون حضور فیزیکی و از راه دور انجام شود. یکی از ویژگی‌های مهم فضای مجازی، ناشناسی و بی‌هویتی است که به افراد این امکان را می‌دهد که در این فضا بدون شناسایی هویت خود، به فعالیت‌های مختلف بپردازند. همچنین سرعت انتقال اطلاعات در فضای مجازی به طور قابل توجهی بیشتر از فضای حقیقی است، به طوری که اطلاعات به صورت آنی و بدون نیاز به زمان برای جابه‌جایی فیزیکی، از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل می‌شود (Hasanbeigi, 2005). از دیگر ویژگی‌های فضای مجازی می‌توان به گستردگی آن اشاره کرد. فضای مجازی به دلیل عدم وجود مرزهای جغرافیایی، امکان ارتباط با افراد و جوامع مختلف در سراسر جهان را فراهم می‌آورد. همچنین در فضای مجازی، فرد می‌تواند به طور همزمان با افراد زیادی ارتباط برقرار کند و به این ترتیب تعاملات اجتماعی به سطح جهانی و فرامکانی می‌رسد (Berger & Luckmann, 1996).

با توجه به این ویژگی‌ها، فضای مجازی محیطی متفاوت از فضای حقیقی است که در آن روابط و تعاملات انسانی به شکل جدیدی صورت می‌گیرد. این تفاوت‌ها و ویژگی‌ها، چالش‌های خاصی را نیز به دنبال داشته است، به ویژه در زمینه‌های اخلاقی و اجتماعی، که در آن مفاهیم جدیدی مانند حریم خصوصی، مرزهای ارتباطی و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی در تعاملات مجازی مطرح می‌شود.

در فقه اسلامی، مفهوم «نامحرم» به فردی اطلاق می‌شود که طبق احکام شرعی، امکان ازدواج یا برقراری رابطه‌ای شرعی با فرد دیگر را ندارد. به عبارت دیگر، نامحرم به کسی گفته می‌شود که میان او و فرد دیگر موانع شرعی برای ازدواج وجود دارد. این موانع می‌تواند از نظر نسبی (مانند پدر، مادر، خواهر، برادر) یا سببی (مثل شوهر و مادر شوهر) باشد. در این زمینه، فقه اسلامی برای حفظ حریم‌های اجتماعی و اخلاقی، روابط میان افراد نامحرم را تحت شرایط خاصی مجاز می‌داند. به طور کلی، روابط بین نامحرمان باید در چارچوب‌هایی مشخص و محدود باشد تا از وقوع فساد و انحرافات اخلاقی جلوگیری شود. این موضوع به خصوص در روابط اجتماعی و خانوادگی اهمیت فراوانی دارد، زیرا هر گونه تجاوز از این حدود می‌تواند به فساد اخلاقی و اجتماعی منجر شود (Nikzad, 2004).

انواع ارتباطات با نامحرم در فقه اسلامی به سه دسته عمده تقسیم می‌شود: دیداری، شنیداری و کتبی. در ارتباط دیداری، هر گونه نگاه غیرضروری به نامحرم که موجب تحریکات نفسانی یا فساد اخلاقی شود، حرام است. از نظر فقهی، نگاه به نامحرم تنها در صورتی مجاز است که در شرایط خاصی همچون ضرورت یا برای مقاصد دینی و علمی انجام گیرد. همچنین، در ارتباط شنیداری، هر گونه شنیدن صدای نامحرم به طور مستقیم یا از طریق وسایل ارتباطی نیز حرام است، مگر در شرایط خاصی که از دیدگاه فقهی مجاز شناخته شود. در مورد ارتباط کتبی نیز، هر گونه نوشتار، پیام یا ارسال اطلاعات به نامحرم که هدف آن تحریک یا ایجاد رابطه غیرشرعی باشد، از نظر فقهی ممنوع است (Jafari Langroudi, 2011).

فضای مجازی به دلیل ویژگی‌های خاص خود، تأثیرات زیادی بر روابط میان نامحرمان در جامعه اسلامی داشته است. یکی از مهم‌ترین تغییرات فرهنگی و اجتماعی که ناشی از استفاده از فضای مجازی است، افزایش تعاملات غیرضروری میان نامحرمان است. در گذشته، تعاملات میان افراد بیشتر محدود به فضای واقعی و حضور فیزیکی بود، اما امروزه این تعاملات به راحتی و بدون نیاز به حضور در مکان‌های خاص، از طریق پیام‌رسان‌ها، شبکه‌های اجتماعی، و دیگر ابزارهای ارتباطی انجام می‌شود. این امر باعث شده است که افراد به راحتی و به طور مستمر با یکدیگر در ارتباط باشند، بدون آنکه در برخی موارد از حدود شرعی و اخلاقی عبور کنند. در این شرایط، روابط نامحرمان در فضای مجازی به طور غیرمستقیم و از طریق ابزارهای دیجیتال گسترش یافته و احتمال وقوع فساد و انحرافات اخلاقی نیز افزایش یافته است (Hasanbeigi, 2005).

افزایش تعاملات غیرضروری میان نامحرمان در فضای مجازی ممکن است مشکلاتی را در سطح اجتماعی و فرهنگی ایجاد کند. به ویژه در جوامع اسلامی که قوانین اخلاقی و شرعی در تنظیم روابط انسانی نقش اساسی دارند، گسترش این نوع روابط می‌تواند به تضعیف نهادهای خانواده، کاهش اعتماد عمومی و افزایش بی‌اعتمادی میان افراد منجر شود. همچنین، فضای مجازی این امکان را فراهم کرده است که افراد به راحتی از مرزهای حریم خصوصی عبور کنند و روابط نامحرمان به شکلی غیرقانونی و غیرشرعی گسترش یابد. از این رو، نیاز به نظارت‌های بیشتر و ایجاد قوانین و مقرراتی که بر اساس اصول فقهی و اخلاقی عمل کنند، احساس می‌شود تا از وقوع چنین مشکلاتی جلوگیری شود (Bay & Pourghahremani, 2009).

در نهایت، باید گفت که فضای مجازی با ویژگی‌های خاص خود توانسته است به سرعت تبدیل به یکی از ابزارهای اصلی در تعاملات اجتماعی و ارتباطات میان افراد شود. این فضا اگرچه مزایای فراوانی در خود دارد، اما با توجه به ماهیتش، چالش‌های اخلاقی و اجتماعی جدیدی را نیز به همراه داشته است. یکی از این چالش‌ها، افزایش روابط غیرضروری میان نامحرمان است که می‌تواند تأثیرات منفی زیادی بر روی ساختار اجتماعی و اخلاقی جوامع اسلامی بگذارد. بنابراین، برای حفظ حریم اخلاقی و جلوگیری از فساد، لازم است که از اصول فقهی و شرعی در تنظیم روابط در فضای مجازی استفاده شود (Naqibi, 2010).

مبانی فقهی

در فقه اسلامی، ارتباط با نامحرم موضوعی حساس و دارای احکام مشخصی است که در طول تاریخ مورد توجه فقها و متفکران اسلامی قرار گرفته است. این احکام به منظور حفظ حدود اخلاقی، اجتماعی و دینی در روابط انسانی وضع شده‌اند. در این بخش، به بررسی برخی از مهم‌ترین احکام فقهی در ارتباط با نامحرم پرداخته می‌شود، همچنین قواعد فقهی که در فضای مجازی نیز قابل کاربرد هستند، مورد بحث قرار می‌گیرد.

یکی از مهم‌ترین احکام فقهی در ارتباط با نامحرم، حرمت نگاه غیرضروری است. در اسلام، نگاه به نامحرم به طور کلی حرام است مگر در موارد خاصی که به ضرورت یا در چارچوب‌های خاص مجاز شناخته می‌شود. نگاه به نامحرم، از آنجا که می‌تواند موجب تحریکات نفسانی یا فساد اخلاقی شود، همیشه حرام است. این حکم در قرآن کریم و روایات معصومین آمده است که نگاه به نامحرم حتی اگر بدون قصد لذت و شهوت باشد، همچنان ممنوع است. در این راستا، فقه امامیه برای جلوگیری از این خطرات، نگاه به نامحرم را تنها در مواردی چون درمان، آموزش یا ضرورت‌های دیگر مجاز دانسته است (Ansari, 2008). این حکم نه تنها شامل نگاه مستقیم به نامحرم می‌شود بلکه نگاه از طریق وسایل ارتباطی نیز به طور کلی حرام است.

مسئله لمس غیرضروری نیز در فقه اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لمس کردن فردی که نامحرم است، در صورتی که بدون قصد ازدواج و در چارچوب‌های شرعی نباشد، حرام است. حتی در بسیاری از موارد، فقه امامیه لمس نامحرم را در مواردی که در آن احتمال گناه یا فساد وجود داشته باشد، منع کرده است. لمس‌های غیرضروری، مانند دست دادن با نامحرم یا تماس بدنی که هیچ ضرورت شرعی و قانونی ندارد، از جمله

روابطی است که در فقه اسلامی مورد نهی قرار گرفته است. این حکم نیز به منظور حفظ حریم‌های اخلاقی و دینی در جوامع اسلامی و جلوگیری از تجاوز به حدود شرعی وضع شده است (Bastani, 2004).

یکی دیگر از احکام فقهی که در ارتباط با نامحرم مطرح می‌شود، حرمت خلوت و ارتباطات ریه‌دار است. در فقه اسلامی، خلوت با نامحرم، به ویژه در مکان‌های دور از نظر دیگران، به شدت نهی شده است. این حکم به دلیل این است که خلوت با نامحرم می‌تواند زمینه‌ساز فساد و گناه باشد. در این شرایط، روابط ممکن است از چارچوب‌های اخلاقی خارج شوند و فرد در معرض خطر قرار گیرد. همچنین ارتباطات ریه‌دار، که به معنای روابط مشکوک یا در معرض سوء تفاهم است، نیز در فقه اسلامی مورد نهی قرار گرفته است. این نوع ارتباطات می‌تواند موجب گسترش سوءظن و فساد در جامعه شود و لذا در بسیاری از فتاوی فقه‌ها، این نوع روابط به طور قاطع حرام شناخته شده است (Jafari Langroudi, 2011).

با توجه به پیشرفت فناوری و گسترش فضای مجازی، برخی از قواعد فقهی که در گذشته به طور عمده در فضای حقیقی کاربرد داشت، امروزه در فضای مجازی نیز مطرح شده‌اند. یکی از این قواعد، قاعده نفی سبیل است. این قاعده به معنای جلوگیری از تسلط غیرمسلمانان بر مسلمانان است، اما در فضای مجازی، مفهوم آن به تسلط افراد بر دیگران در زمینه‌های اخلاقی و اجتماعی گسترش یافته است. به طور مثال، استفاده از ابزارهایی مانند شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها می‌تواند موجب تسلط بر حریم خصوصی دیگران و استفاده غیرمجاز از اطلاعات شخصی شود. از این رو، در فضای مجازی نیز باید از تسلط افراد بر دیگران جلوگیری کرد و در این راستا، نظارت‌ها و فیلترینگ‌ها ضروری است (Hasanbeigi, 2005).

قاعده دیگری که در ارتباط با فضای مجازی مطرح می‌شود، قاعده حرمت اعانت بر اثم است. این قاعده به این معناست که فردی که در انجام عمل حرام کمک کند، خود نیز در گناه شریک است. در فضای مجازی، این قاعده می‌تواند شامل کسانی باشد که در انتشار مطالب غیراخلاقی، تصاویر مستهجن یا ارتباطات غیرشرعی در شبکه‌های اجتماعی مشارکت دارند. این افراد به نوعی باعث گسترش فساد و گناه نقش دارند و از نظر فقهی، گناهکار محسوب می‌شوند. در واقع، هر فردی که به نوعی باعث گسترش فساد در فضای مجازی شود، از نظر فقهی باید مسئولیت آن را بپذیرد (Bay & Pourghahremani, 2009).

قاعده سد ذرایع نیز از دیگر قواعد فقهی است که در فضای مجازی کاربرد دارد. این قاعده به معنای بستن درهای فساد و جلوگیری از اقدامات مفسده‌آمیز است. در فضای مجازی، بسیاری از ابزارها و امکانات دیجیتال می‌توانند به راحتی دسترسی به مطالب غیراخلاقی و روابط غیرشرعی را فراهم کنند. به همین دلیل، فقه اسلامی بر بستن این درها و جلوگیری از دسترسی به چنین مطالبی تأکید دارد. برای مثال، استفاده از فیلترینگ برای مسدود کردن سایت‌ها و صفحات غیرمجاز و نظارت بر فعالیت‌های اینترنتی می‌تواند نمونه‌ای از اجرای قاعده سد ذرایع در فضای مجازی باشد (Naqibi, 2010).

در بررسی ادله فقهی حرمت ارتباط با نامحرم در فضای مجازی، آیات قرآن کریم جایگاه ویژه‌ای دارند. در قرآن کریم، بسیاری از آیات به حفظ حریم شخصی، جلوگیری از فساد و حفاظت از روابط انسانی تأکید دارند. یکی از این آیات، آیه ۳۰ سوره نور است که در آن به مردان دستور داده شده است که از نگاه به نامحرم خودداری کنند. این حکم در فضای مجازی نیز صدق می‌کند، زیرا در فضای مجازی نیز افراد به راحتی می‌توانند با نامحرمان در ارتباط باشند. به همین دلیل، فقه امامیه این ارتباطات را همانند ارتباطات در دنیای حقیقی، حرام می‌داند (Bromand, 2004).

روایات معصومین (علیهم‌السلام) نیز در این زمینه بسیار حائز اهمیت است. بسیاری از روایات به حرمت نگاه و لمس نامحرمان اشاره دارند و این حرمت را در تمام زمان‌ها و مکان‌ها معتبر می‌شمارند. در برخی روایات، حتی به خطرات روانی و اخلاقی نگاه به نامحرم اشاره شده است، که می‌تواند زمینه‌ساز فساد اجتماعی و فردی باشد. این روایات به وضوح نشان می‌دهند که هر نوع ارتباط با نامحرم، چه در فضای حقیقی و چه در فضای مجازی، باید تحت نظارت و کنترل دقیق قرار گیرد تا از بروز فساد جلوگیری شود (Behjat Fomani, 2007).

در نهایت، ادله عقلی و اجماع فقها نیز بر حرمت ارتباط با نامحرم در فضای مجازی تأکید دارند. از دیدگاه عقلی، هرگونه ارتباط که باعث تحریک نفس و ایجاد فساد شود، قبیح و ناپسند است. از طرفی، فقها در اجماع خود به این نتیجه رسیده‌اند که هر نوع ارتباط با نامحرم، که در آن مفسده‌ای وجود داشته باشد، باید ممنوع شود. این اجماع در خصوص فضای مجازی نیز صدق می‌کند، زیرا فضای مجازی همانند دنیای واقعی می‌تواند زمینه‌ساز فساد و انحرافات اخلاقی باشد (Pad, 1943).

به طور کلی، احکام فقهی در ارتباط با نامحرم در فضای مجازی مشابه با دنیای واقعی است. با این حال، ضرورت استفاده از ابزارهای نظارتی و فیلترینگ در فضای مجازی به دلیل ویژگی‌های خاص این فضا، بیش از پیش احساس می‌شود. فقه امامیه با تکیه بر اصول و قواعد فقهی، می‌تواند راهکارهای مناسبی برای کنترل این روابط در فضای مجازی ارائه دهد و از وقوع فساد و انحرافات اخلاقی جلوگیری کند.

مصادیق ارتباط با نامحرم در فضای مجازی

فضای مجازی به عنوان یک محیط دیجیتال، امکانات و ابزارهای مختلفی برای برقراری ارتباط فراهم می‌آورد. این فضا که به‌طور گسترده‌ای در زندگی روزمره افراد وارد شده است، بستر مناسبی برای ارتباطات اجتماعی و شخصی فراهم کرده، اما در عین حال، چالش‌ها و مشکلاتی را نیز به همراه دارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌های فضای مجازی، برقراری ارتباطات غیرشرعی میان افراد است، به‌ویژه میان نامحرمان. این ارتباطات می‌توانند به‌طور عمده شامل چت و پیام‌رسانی، ارسال تصاویر و ویدئوهای غیرضروری و انواع دیگر تعاملات غیراخلاقی باشند.

چت و پیام‌رسانی یکی از رایج‌ترین انواع ارتباطات در فضای مجازی است که می‌تواند تحت شرایط مختلف به ارتباطات غیرشرعی تبدیل شود. در بسیاری از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها، افراد به‌راحتی می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، بدون آنکه نیازی به حضور فیزیکی در کنار یکدیگر داشته باشند. در این فضا، تبادل پیام‌ها، حتی در صورت نبودن قصد خاص، می‌تواند به ایجاد روابطی غیرشرعی منجر شود. در واقع، بسیاری از کاربران فضای مجازی، بدون آنکه قصد اصلی ارتباط شرعی یا اخلاقی داشته باشند، وارد گفتگوهایی می‌شوند که در نهایت به روابطی فراتر از مرزهای اخلاقی کشیده می‌شود. این نوع ارتباطات به‌ویژه زمانی که در حریم خصوصی انجام شوند، می‌توانند مشکلات جدی اخلاقی و اجتماعی ایجاد کنند (Ansari, 2008). پیام‌های غیرضروری و گاه تحریک‌آمیز در این ارتباطات نیز ممکن است به‌طور ناخودآگاه از سوی برخی افراد ارسال شوند، به‌ویژه زمانی که این افراد از حدود شرعی و اخلاقی آگاهی کافی ندارند.

ارسال تصاویر و ویدئوهای غیرضروری نیز یکی دیگر از مصادیق ارتباطات غیرشرعی در فضای مجازی است. این ارسال‌ها می‌توانند شامل تصاویر شخصی، تصاویر غیرمجاز یا حتی ویدئوهایی باشند که به نوعی حاوی محتوای جنسی یا تحریک‌آمیز هستند. این نوع تعاملات در فضای مجازی، به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها، بسیار رایج است و اغلب بدون نظارت یا محدودیت‌های شرعی انجام می‌شود. ارسال تصاویر یا ویدئوهایی که حاوی محتوای غیراخلاقی یا تحریک‌آمیز باشند، نه تنها به روابط غیرشرعی و نامناسب دامن می‌زند، بلکه می‌تواند موجب گسترش فساد در جامعه شود. در این فضا، حتی ارسال تصاویر ساده و بی‌ضرر ممکن است به اشتراک‌گذاری تصاویر یا ویدئوهای بیشتر و غیرمجاز منجر شود که آسیب‌های اجتماعی و فردی فراوانی به همراه دارد (Bastani, 2004).

عوامل متعددی باعث ایجاد این نوع ارتباطات نامناسب در فضای مجازی می‌شوند. یکی از مهم‌ترین این عوامل، آزادی عمل در فضای مجازی است. فضای مجازی به کاربران این امکان را می‌دهد که در محیطی نسبتاً بدون نظارت و محدودیت، با دیگران ارتباط برقرار کنند. این آزادی عمل می‌تواند باعث شود افراد به‌طور ناخودآگاه یا به دلیل ناآگاهی از عواقب شرعی و اخلاقی این ارتباطات، وارد روابطی شوند که خلاف اصول اخلاقی و دینی است. به‌علاوه، این آزادی می‌تواند افراد را به‌ویژه جوانان و نوجوانان که در مراحل رشد شخصیتی خود هستند، به سمت روابط نامناسب سوق دهد (Bay & Pourghahremani, 2009).

یکی دیگر از عوامل مهم ایجاد ارتباطات نامناسب در فضای مجازی، ضعف نظارت خانواده و جامعه است. در بسیاری از جوامع، به‌ویژه در جوامع اسلامی، نظارت بر روابط اجتماعی و فردی از اهمیت بالایی برخوردار است. با این حال، در فضای مجازی که افراد از طریق آن می‌توانند به راحتی بدون اطلاع دیگران و در پنهانی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، نظارت بر این روابط دشوار می‌شود. این کمبود نظارت باعث می‌شود که بسیاری از افراد به راحتی وارد روابط غیرشرعی شوند. این ضعف نظارت نه تنها در سطح خانواده، بلکه در سطح جامعه و نهادهای دولتی نیز مشاهده می‌شود. بسیاری از قوانین و مقررات که می‌توانند به کنترل روابط مجازی کمک کنند، در بسیاری از جوامع اسلامی به‌طور کامل به اجرا درنیامده‌اند، که این امر به گسترش فساد در فضای مجازی کمک کرده است (Jafari Langroudi, 2011).

پیامدهای ارتباط با نامحرم در فضای مجازی، به‌ویژه از لحاظ فردی و اجتماعی، می‌تواند بسیار گسترده و تأثیرگذار باشد. از جنبه فردی، این نوع ارتباطات می‌تواند پیامدهای اخلاقی و روانی منفی زیادی به همراه داشته باشد. ارتباطات غیرشرعی در فضای مجازی می‌تواند به تضعیف اصول اخلاقی فرد، بروز مشکلات روانی چون اضطراب و افسردگی، و کاهش عزت نفس منجر شود. این ارتباطات می‌تواند بر روی اعتماد فرد به خود و دیگران تأثیر منفی بگذارند و در نتیجه، فرد ممکن است احساس نارضایتی و گناه کند. به‌ویژه زمانی که فرد درگیر رابطه‌ای غیرشرعی شود که در آن احساس می‌کند از حدود شرعی عبور کرده، این احساس گناه می‌تواند به اضطراب و استرس منجر شود (Naqibi, 2010). بسیاری از افرادی که در فضای مجازی وارد روابط غیرشرعی می‌شوند، پس از مدتی از این روابط پشیمان می‌شوند و درگیر احساسات منفی چون شرم و ندامت می‌گردند. از منظر اجتماعی، پیامدهای ارتباط با نامحرم در فضای مجازی می‌تواند بسیار گسترده و آسیب‌زا باشد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی این نوع روابط، تضعیف نهاد خانواده است. خانواده به عنوان یکی از ارکان اصلی اجتماع و فرهنگ اسلامی، به شدت از این روابط آسیب می‌بیند. زمانی که روابط نامحرم در فضای مجازی افزایش یابد، اعتماد میان اعضای خانواده کاهش می‌یابد و شکاف‌های عاطفی و اجتماعی بین زوج‌ها و سایر اعضای خانواده بوجود می‌آید. این آسیب‌ها به‌ویژه در جوامعی که سنت‌ها و ارزش‌های خانوادگی از اهمیت بالایی برخوردارند، شدیدتر و بیشتر محسوس است (Pad, 1943). به‌علاوه، افزایش روابط غیرشرعی در فضای مجازی می‌تواند باعث گسترش بی‌اعتمادی در جامعه شود. زمانی که افراد در فضای مجازی احساس کنند که دیگران در حال انجام اعمال غیراخلاقی یا پنهانی هستند، این بی‌اعتمادی می‌تواند به تمامی روابط اجتماعی کشیده شود و بنیان‌های اخلاقی جامعه را تضعیف کند.

در نهایت، پیامدهای ارتباطات غیرشرعی در فضای مجازی نه تنها بر فرد و خانواده تأثیر می‌گذارد، بلکه به طور کلی می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی و گسترش بی‌اخلاقی در سطح جامعه منجر شود. در این فضا، وقتی که افراد احساس می‌کنند که دسترسی به اطلاعات شخصی و ارتباطات غیرشرعی در دسترس است، این امر به تدریج می‌تواند هنجارهای اجتماعی و اخلاقی جامعه را دچار تغییرات منفی کند. از این رو، نظارت و مدیریت صحیح بر فعالیت‌های فردی و جمعی در فضای مجازی، از اهمیت بسیاری برخوردار است (Bromand, 2004).

به‌طور کلی، فضای مجازی با ویژگی‌های خاص خود، پتانسیل زیادی برای ایجاد و گسترش روابط غیرشرعی و غیراخلاقی دارد. از این رو، ضروری است که با توجه به پیامدهای فردی و اجتماعی این نوع روابط، نظارت‌ها و اقدامات پیشگیرانه جدی‌تری در فضای مجازی انجام شود تا از بروز آسیب‌های بیشتر جلوگیری شود.

دیدگاه فقه امامیه در مقایسه فضای حقیقی و مجازی

فضای مجازی و فضای حقیقی از منظر فقه امامیه، علی‌رغم تفاوت‌های آشکار در ساختار و ویژگی‌های خود، به نظر می‌رسد که در بسیاری از اصول فقهی، هیچ تفاوتی اساسی نداشته باشند. در حقیقت، فقه اسلامی با توجه به اصول ثابت و جاودان خود، اغلب به مقوله‌هایی می‌پردازد که به‌طور مستقل از فضا و زمان می‌باشند. در این راستا، بسیاری از احکام فقهی که در فضای حقیقی اعمال می‌شوند، در فضای مجازی نیز قابل تطبیق هستند. از نظر فقه امامیه، برخی از احکام و اصول در تمام زمان‌ها و مکان‌ها، چه در فضای واقعی و چه در فضای مجازی، یکسان هستند. برای نمونه، احکام

مربوط به حرمت نگاه به نامحرم، دست دادن با نامحرم و هرگونه رفتار و ارتباط غیرشرعی، در هر دو فضای مجازی و حقیقی مشابه یکدیگر است و تنها نحوه‌ی تحقق آن‌ها ممکن است متفاوت باشد (Naqibi, 2010).

از منظر فقهی، فضای مجازی همانند فضای حقیقی محیطی است که در آن ارتباطات و تعاملات اجتماعی میان افراد صورت می‌گیرد، بنابراین بر اساس این اصول، هیچ تفاوتی بین این دو فضا وجود ندارد. در حقیقت، فقه امامیه به دنبال حفظ اصول و قواعد اخلاقی و شرعی است و به همین دلیل، قواعدی که در فضای حقیقی برای تنظیم روابط انسان‌ها با یکدیگر وضع شده‌اند، در فضای مجازی نیز باید رعایت شوند. به طور مثال، در فضای حقیقی نگاه به نامحرم و لمس او در شرایط خاصی حرام است، این حکم در فضای مجازی نیز صدق می‌کند. زیرا در فضای مجازی نیز افراد می‌توانند بدون حضور فیزیکی و تنها از طریق ابزارهای دیجیتال و ارتباطی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، بنابراین می‌توان این روابط را نیز همانند ارتباطات واقعی تحت همان احکام فقهی قرار داد (Bastani, 2004).

اما در عین حال، برای تطبیق دقیق احکام فقهی در فضای مجازی، باید تفاوت‌های این فضا با فضای حقیقی را نیز در نظر گرفت. فضای مجازی با توجه به ویژگی‌های خاص خود مانند ناشناسی کاربران، دسترسی به اطلاعات گسترده، سرعت بالای انتقال داده‌ها و کمبود نظارت‌های فیزیکی، این امکان را برای افراد فراهم می‌آورد که با یکدیگر ارتباط برقرار کنند بدون آنکه از محدودیت‌ها و ضوابط اخلاقی و شرعی پیروی کنند. این ویژگی‌ها به طور خاص موجب شده است که برخی از رفتارهایی که در فضای حقیقی قابل کنترل و نظارت هستند، در فضای مجازی به راحتی قابل دسترس و انجام شوند. برای مثال، در فضای حقیقی ارتباطات غیرشرعی معمولاً با محدودیت‌های اجتماعی و نظارتی مواجه هستند، در حالی که در فضای مجازی چنین محدودیت‌هایی کمتر وجود دارد. از این رو، بر اساس فقه امامیه، برای جلوگیری از انحرافات اخلاقی و اجتماعی در فضای مجازی، لازم است که همان اصول اخلاقی و شرعی که در فضای حقیقی کاربرد دارند، در فضای مجازی نیز به طور دقیق پیاده‌سازی شوند (Jafari, 2011).

فقه‌ها در زمینه فضای مجازی نظرات مختلفی دارند. برخی از فقها استفاده از فضای مجازی را کاملاً مجاز می‌دانند، به شرطی که در چارچوب اصول اسلامی و شرعی باشد. آن‌ها معتقدند که فضای مجازی ابزار جدیدی برای ارتباطات انسانی است که می‌تواند در خدمت اهداف مثبت، علمی و دینی قرار گیرد. به این ترتیب، بر اساس فقه امامیه، اگر فرد در فضای مجازی به طور صحیح و بر اساس آموزه‌های دینی ارتباط برقرار کند، هیچ منعی در استفاده از آن وجود ندارد. در این دیدگاه، فضای مجازی به عنوان ابزاری بی‌طرف در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند هم در جهت مثبت و هم در جهت منفی استفاده شود. این دیدگاه تأکید دارد که استفاده صحیح از فضای مجازی و انجام فعالیت‌های مشروع و اسلامی، به هیچ عنوان مغایرتی با اصول فقهی ندارد (Naqibi, 2010).

در مقابل، برخی دیگر از فقها معتقدند که استفاده از فضای مجازی می‌تواند موجب خطرات و آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی شود. آن‌ها به ویژگی‌های منفی فضای مجازی مانند ناشناسی، آزادی بیش از حد و عدم نظارت اشاره می‌کنند که می‌تواند موجب انحراف از اصول شرعی شود. بر اساس این دیدگاه، فضای مجازی به عنوان محیطی که ممکن است فرصت‌هایی برای فساد، ارتباطات غیرشرعی و اشاعه فحشا فراهم کند، نیازمند کنترل و نظارت شدید است. به همین دلیل، در این رویکرد، استفاده از فضای مجازی باید با دقت بیشتری صورت گیرد و در صورتی که این فضا به طور صحیح و با هدف‌های مشروع استفاده نشود، می‌تواند به گسترش فساد و انحرافات اخلاقی منجر شود (Pad, 1943).

یکی از مسائل پیچیده در فضای مجازی، تفسیر عرفی است که می‌تواند تأثیر زیادی بر تعیین مصادیق احکام فقهی داشته باشد. عرف در فقه امامیه، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند و بسیاری از احکام فقهی بر اساس آن تنظیم می‌شوند. به عبارت دیگر، فقه امامیه در بسیاری از موارد، به‌ویژه در مواردی که جزئیات آن در متون دینی به طور صریح ذکر نشده است، به عرف و شرایط اجتماعی تکیه می‌کند تا بتواند حکم شرعی مناسبی صادر کند. در این راستا، در فضای مجازی نیز تفسیر عرفی می‌تواند به عنوان یک ابزار مهم برای تعیین مصادیق احکام فقهی مورد استفاده قرار گیرد. به طور مثال، زمانی

که افراد در فضای مجازی به یکدیگر پیام‌های خصوصی ارسال می‌کنند یا با یکدیگر چت می‌کنند، عرف جامعه ممکن است بر این امر تأثیر بگذارد که آیا این ارتباطات به‌طور شرعی مجاز هستند یا خیر (Bay & Pourghahremani, 2009).

اما باید توجه داشت که فضای مجازی به دلیل ویژگی‌های خاص خود می‌تواند تأثیرات زیادی بر تغییر عرف و تفسیرهای فقهی داشته باشد. از آنجا که فضای مجازی، با ماهیت جهانی و فرامکانیکی خود، بسیاری از حدود و قیود اجتماعی و فرهنگی را که در فضای حقیقی وجود دارند، به چالش می‌کشد، عرف در این فضا نیز ممکن است تغییراتی را تجربه کند. به‌طور مثال، روابطی که در گذشته به‌عنوان غیرشرعی و غیرمجاز شناخته می‌شدند، ممکن است در فضای مجازی به‌طور غیرمستقیم و با کمترین نظارت، به امری معمول و پذیرفته‌شده تبدیل شوند. این تغییرات در عرف می‌تواند تأثیرات زیادی بر تفسیر احکام فقهی و اجرای آن‌ها داشته باشد (Bromand, 2004).

در این راستا، فقه امامیه باید به این تغییرات توجه کرده و ضمن حفظ اصول ثابت شرعی، راهکارهای مناسبی برای تطبیق آن‌ها در فضای مجازی ارائه دهد. به‌ویژه در مواردی که فضای مجازی به سرعت در حال تغییر و تکامل است، فقه باید با بهره‌گیری از تفسیرهای عرفی و کارشناسی‌های دقیق، پاسخ‌های مناسبی به مسائل نوظهور بدهد. این امر می‌تواند به جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی و همچنین حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی کمک کند (Bastani, 2004).

در نهایت، باید گفت که تطبیق احکام فقهی در فضای مجازی، نیازمند دقت و بررسی‌های دقیق است. این تطبیق نه تنها باید به‌طور مستقیم با اصول شرعی و فقهی هم‌خوانی داشته باشد، بلکه باید با تغییرات اجتماعی و فرهنگی فضای مجازی نیز هماهنگ باشد. در این فرآیند، نقش عرف و تفسیرهای جدید فقهی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تنظیم و تطبیق احکام فقهی در این فضای نوین و پیچیده استفاده شود (Naqibi, 2010).

راهکارهای فقهی برای مدیریت ارتباط با نامحرم

در دنیای امروز، فضای مجازی به یکی از ارکان اصلی زندگی اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی تبدیل شده است. این فضا با ویژگی‌هایی همچون دسترسی سریع به اطلاعات، تعاملات گسترده و راحتی در ارتباطات، امکان‌های زیادی را برای کاربران فراهم آورده است. با این حال، از آنجا که فضای مجازی محیطی به‌دور از نظارت‌های فیزیکی و اجتماعی است، چالش‌هایی در زمینه حفظ اصول اخلاقی و دینی در آن به وجود آمده است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، ارتباطات غیرشرعی و نامناسب میان افراد، به‌ویژه نامحرمان است که می‌تواند تأثیرات منفی زیادی بر روی اخلاق فردی و اجتماعی داشته باشد. بنابراین، برای مدیریت ارتباطات با نامحرم در فضای مجازی، راهکارهای فقهی متعددی می‌تواند ارائه شوند که به حفظ حریم اخلاقی و دینی کمک کنند.

یکی از مهم‌ترین راهکارهای فقهی برای مدیریت ارتباط با نامحرم در فضای مجازی، ترویج آموزه‌های اخلاقی و دینی در این فضا است. این امر نه تنها وظیفه نهادهای دینی و علمی، بلکه بر عهده خانواده‌ها و جامعه نیز است. ترویج آموزه‌های اخلاقی از طریق آموزش‌های مذهبی و اجتماعی می‌تواند افراد را به‌ویژه نسل جوان، از خطرات و آسیب‌های روابط نامناسب آگاه کند. در این زمینه، خانواده نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کند. خانواده به‌عنوان نخستین نهاد تربیتی، می‌تواند با آموزش صحیح مبانی اخلاقی و دینی به فرزندان خود، آنان را از ابتلا به روابط غیرشرعی در فضای مجازی دور نگه دارد. آگاهی‌بخشی به نسل جوان درباره اصول اخلاقی و فقهی در استفاده از فضای مجازی می‌تواند موجب تقویت خودکنترلی و اجتناب از رفتارهای ناپسند در فضای دیجیتال شود (Naqibi, 2010).

همچنین، جامعه نیز به‌ویژه از طریق رسانه‌ها، نهادهای آموزشی و گروه‌های اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در فرهنگ‌سازی ایفا کند. این نهادها می‌توانند با برگزاری کارگاه‌ها، نشست‌های آموزشی و برنامه‌های تلویزیونی، اطلاعات لازم را در مورد خطرات فضای مجازی و اهمیت رعایت اصول اخلاقی و دینی در این فضا به افراد منتقل کنند. تبیین احکام دینی برای نسل جوان از طریق محتوای دیجیتال، مانند ویدئوهای آموزشی، پادکست‌ها

و مقالات آنلاین، می‌تواند نقش زیادی در جلوگیری از روابط غیرشرعی و غیراخلاقی ایفا کند. با ارائه آموزش‌های دینی در زمینه‌های مختلف، افراد می‌توانند درک بهتری از اصول فقهی و اخلاقی پیدا کرده و از آنها در استفاده صحیح از فضای مجازی بهره ببرند (Bastani, 2004).

در کنار ترویج آموزه‌های اخلاقی، برخی از راهکارهای فقهی-اجرایی نیز می‌توانند برای مدیریت بهتر ارتباطات با نامحرم در فضای مجازی مؤثر باشند. یکی از این راهکارها، نظارت شرعی بر فعالیت‌های فضای مجازی است. نظارت‌های شرعی به‌ویژه در مواقعی که کاربران به‌طور مستقیم با یکدیگر در ارتباط هستند، می‌تواند تأثیر زیادی در جلوگیری از وقوع روابط نامناسب داشته باشد. نظارت شرعی می‌تواند به‌طور مستقیم از طریق نهادهای دینی و قضائی انجام گیرد یا از طریق سیستم‌های خودکنترلی که در فضای مجازی طراحی می‌شوند، مثل سیستم‌های گزارش‌دهی برای محتوای غیرمجاز. این نوع نظارت‌ها می‌تواند به کاربران کمک کند تا از ارتکاب گناهان بزرگ و کوچک در فضای مجازی اجتناب کنند (Jafari, 2011).

استفاده از ابزارهای نظارتی، مانند فیلترینگ، یکی دیگر از راهکارهای فقهی-اجرایی است که می‌تواند به کاهش روابط غیرشرعی در فضای مجازی کمک کند. فیلترینگ، که به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم نظارت بر محتوای اینترنتی شناخته می‌شود، می‌تواند به‌ویژه در مسدود کردن سایت‌ها و صفحات غیرمجاز و غیراخلاقی مؤثر واقع شود. این ابزار نظارتی می‌تواند با جلوگیری از دسترسی به محتوای تحریک‌آمیز و غیرمجاز، فضای مجازی را به مکانی امن‌تر و اخلاقی‌تر تبدیل کند. از این رو، بسیاری از کشورها و نهادهای دینی در تلاشند تا سیستم‌های فیلترینگ و نظارت هوشمند را به‌گونه‌ای طراحی کنند که کاربران فضای مجازی از محتوای مضر و غیراخلاقی دور بمانند. این اقدام نه تنها در راستای حفظ امنیت اخلاقی جامعه است، بلکه به کاهش آسیب‌های روانی و اجتماعی ناشی از این نوع محتوای اینترنتی کمک می‌کند (Bay & Pourghahremani, 2009).

پیشنهادهای عملی برای کاهش ارتباطات ناسالم در فضای مجازی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که نه تنها روابط نامناسب را محدود کنند، بلکه فضایی اخلاقی و سالم برای کاربران فراهم آورند. اولین گام در این راستا، ارائه قوانین بازدارنده است. قوانین بازدارنده به‌ویژه در خصوص جرم‌انگاری رفتارهای غیرشرعی و غیراخلاقی در فضای مجازی، می‌توانند نقش مؤثری در جلوگیری از گسترش فساد و فحشا در این فضا داشته باشند. این قوانین باید به‌گونه‌ای تدوین شوند که شفاف و قابل اجرا باشند و از آنجا که فضای مجازی همچنان یک محیط در حال تغییر است، لازم است که این قوانین به‌طور مداوم به‌روزرسانی شوند تا با تحولات جدید هم‌خوانی داشته باشند. به‌عنوان مثال، در بسیاری از جوامع اسلامی، قوانین مرتبط با جرایم سایبری در حال توسعه است تا رفتارهایی مانند ارسال تصاویر مستهجن یا برقراری ارتباطات غیرشرعی در فضای مجازی را تحت پوشش قرار دهد (Pad, 1943).

تشویق به استفاده اخلاقی از فضای مجازی نیز یکی دیگر از پیشنهادها عملی برای کاهش روابط ناسالم در این فضا است. برای این منظور، می‌توان از ابزارهای مختلفی همچون تبلیغات آموزشی و ترویج محتواهای مثبت در فضای مجازی استفاده کرد. ایجاد و انتشار محتوای اخلاقی، علمی و دینی در فضای مجازی می‌تواند به‌ویژه در تغییر نگرش و رفتار کاربران تأثیرگذار باشد. این نوع محتوای آموزشی می‌تواند به‌طور مستمر در شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های اینترنتی منتشر شود تا آگاهی افراد از خطرات و پیامدهای روابط غیرشرعی افزایش یابد و آنان را به استفاده از فضای مجازی در چارچوب‌های اخلاقی و دینی ترغیب کند. به‌ویژه در میان جوانان، این اقدام می‌تواند به‌عنوان راهی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی ناشی از فضای مجازی مؤثر باشد (Naqibi, 2010).

در نهایت، برای کاهش ارتباطات ناسالم در فضای مجازی، علاوه بر قوانین و نظارت‌های دولتی و دینی، باید از آموزش‌های مستمر و مشاوره‌های اجتماعی بهره‌برداری شود. این آموزش‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که نه تنها کاربران را از خطرات روابط غیرشرعی در فضای مجازی آگاه کنند، بلکه آنان را به استفاده صحیح از این فضا برای رسیدن به اهداف مثبت و دینی هدایت کنند. به این ترتیب، استفاده از فضای مجازی می‌تواند به یک ابزار مفید و مؤثر در راستای پیشبرد اهداف اسلامی و دینی تبدیل شود، بدون آنکه زمینه‌ساز فساد و انحرافات اخلاقی گردد (Bastani, 2004).

نتیجه گیری

فضای مجازی، به عنوان یکی از پدیده‌های نوین در عصر ارتباطات، تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها گذاشته است. این فضا با ویژگی‌هایی چون دسترسی آسان، سرعت بالا در تبادل اطلاعات، و تعاملات بدون مرز، بستر جدیدی برای ارتباطات انسانی ایجاد کرده است که علاوه بر مزایای فراوان، چالش‌ها و مشکلات متعددی نیز به همراه داشته است. یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که فضای مجازی به همراه داشته، مسائل اخلاقی و دینی مرتبط با روابط انسانی به‌ویژه روابط میان نامحرمان است. در این راستا، فقه امامیه با ارائه اصول و قواعد مشخص به دنبال تعیین حدود شرعی و اخلاقی در این فضا است تا از انحرافات اخلاقی و اجتماعی جلوگیری کند.

در این مقاله تلاش شد تا با بررسی ابعاد مختلف ارتباطات با نامحرم در فضای مجازی، به تحلیل فقهی این پدیده پرداخته و راهکارهایی برای مدیریت این ارتباطات ارائه شود. از منظر فقه امامیه، ارتباط با نامحرم در فضای مجازی باید در چارچوب‌های مشخص و بر اساس اصول اخلاقی و دینی انجام گیرد. بسیاری از اصول و قواعد فقهی که در فضای حقیقی به‌طور دقیق و گسترده اعمال می‌شوند، در فضای مجازی نیز کاربرد دارند. برای مثال، حرمت نگاه به نامحرم، لمس غیرضروری، و خلوت با نامحرم در فضای حقیقی، در فضای مجازی نیز به همان اندازه حائز اهمیت است و از دیدگاه فقهی هیچ تفاوتی بین این دو فضا وجود ندارد.

یکی از نکات مهمی که در این مقاله مطرح شد، توجه به این نکته است که فضای مجازی به دلیل ویژگی‌های خاص خود نظیر آزادی عمل، ناشناسی و سرعت انتقال اطلاعات، می‌تواند زمینه‌ساز رفتارهای غیرشرعی و غیراخلاقی شود. این ویژگی‌ها به‌ویژه در ارتباطات میان نامحرمان، این امکان را فراهم می‌آورد که افراد به راحتی از حدود اخلاقی و شرعی عبور کنند. بنابراین، مدیریت صحیح و نظارت بر فعالیت‌های افراد در فضای مجازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا، فقه امامیه با تکیه بر اصول ثابت خود، می‌تواند راهکارهای مؤثری را برای کنترل و تنظیم روابط در فضای مجازی ارائه دهد.

در این تحقیق، راهکارهایی نظیر ترویج آموزه‌های اخلاقی، نظارت شرعی بر فعالیت‌های فضای مجازی و استفاده از ابزارهای نظارتی مانند فیلترینگ بررسی شد. ترویج اصول اخلاقی و دینی در فضای مجازی به‌ویژه برای نسل جوان، نقش مهمی در کاهش روابط غیرشرعی و ناهنجاری‌های اجتماعی دارد. خانواده و جامعه به‌عنوان نهادهای اصلی تربیتی و اجتماعی باید در این فرآیند مشارکت فعال داشته باشند و از طریق آموزش‌های مستمر، اصول اخلاقی و دینی را به کاربران فضای مجازی منتقل کنند. به‌ویژه برای نسل جوان، که در معرض بیشترین آسیب‌ها قرار دارند، آموزش احکام دینی و تبیین خطرات روابط غیرشرعی در فضای مجازی از اهمیت زیادی برخوردار است.

علاوه بر ترویج آموزه‌های اخلاقی، راهکارهای فقهی-اجرایی مانند نظارت شرعی و استفاده از ابزارهای فیلترینگ نیز می‌توانند در مدیریت بهتر ارتباطات در فضای مجازی مؤثر باشند. نظارت شرعی به‌ویژه در مواقعی که افراد به‌طور مستقیم با یکدیگر در ارتباط هستند، می‌تواند به کاهش روابط غیرشرعی کمک کند. از سوی دیگر، فیلترینگ و مسدود کردن سایت‌ها و صفحات غیراخلاقی از جمله ابزارهای مؤثر در کنترل محتوا و جلوگیری از دسترسی به اطلاعات غیرمجاز است. در این زمینه، نهادهای دینی و دولتی می‌توانند با همکاری یکدیگر، سیستم‌های نظارتی و فیلترینگ را به‌گونه‌ای طراحی کنند که علاوه بر جلوگیری از دسترسی به محتوای غیراخلاقی، کاربران را به استفاده مسئولانه از فضای مجازی ترغیب کنند.

یکی دیگر از راهکارهای عملی که در این مقاله بررسی شد، ایجاد و اجرای قوانین بازدارنده است. قوانین بازدارنده در فضای مجازی می‌توانند به‌عنوان ابزارهای قانونی برای مقابله با رفتارهای غیراخلاقی و غیرشرعی عمل کنند. این قوانین باید به‌گونه‌ای تدوین شوند که قابلیت اجرا داشته باشند و از آنجا که فضای مجازی یک محیط بسیار پویا و در حال تغییر است، این قوانین باید به‌طور مستمر به‌روزرسانی شوند. از این رو، دولت‌ها و نهادهای قضائی باید در جهت تدوین و اجرای این قوانین گام‌های مؤثری بردارند تا بتوانند روابط غیرشرعی در فضای مجازی را محدود و از آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن جلوگیری کنند.

در نهایت، تأکید بر استفاده اخلاقی از فضای مجازی به‌ویژه از سوی نهادهای دینی و فرهنگی می‌تواند به کاهش روابط غیرشرعی در این فضا کمک کند. ترویج محتوای اخلاقی، علمی و دینی در فضای مجازی می‌تواند موجب تغییر نگرش‌ها و رفتارهای کاربران شود و آنان را به استفاده صحیح از این فضا هدایت کند. ایجاد بستری برای تولید و نشر محتوای مثبت و آموزنده در فضای مجازی، به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای سطح آگاهی عمومی و کاهش آسیب‌های اجتماعی باشد.

در مجموع، فضای مجازی به‌عنوان یک ابزار قدرتمند در دنیای امروز، می‌تواند هم به‌عنوان فرصتی برای رشد و پیشرفت بشر و هم به‌عنوان تهدیدی برای اخلاق و هنجارهای اجتماعی عمل کند. بنابراین، استفاده از فضای مجازی باید به‌گونه‌ای مدیریت شود که از یک سو، از ظرفیت‌های آن برای اهداف مثبت و سازنده استفاده شود و از سوی دیگر، خطرات و آسیب‌های آن محدود و کنترل گردد. راهکارهای فقهی که در این تحقیق مطرح شد، می‌توانند به‌عنوان نقشه‌راهی برای مدیریت بهتر ارتباطات در فضای مجازی و حفظ اصول اخلاقی و دینی در این فضا عمل کنند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Cyberspace, as a modern innovation, has significantly transformed the way people interact, communicate, and exchange information. The rapid expansion of digital platforms and online communication tools has reshaped societal structures, bringing both positive advancements and new ethical challenges. Among the most pressing issues in this digital age is the concept of communication with non-mahrams (individuals who are not permissible to marry according to Islamic law) in cyberspace. In Islamic societies, this issue is of particular concern as it can directly impact ethical behavior, social values, and individual well-being. This paper explores the jurisprudential perspective on communication with non-mahrams in cyberspace, specifically from the viewpoint of Shiite jurisprudence (Fiqh Imamiyyah), and seeks to analyze the legal rulings that govern such interactions in the digital environment. The study also presents solutions for managing these interactions in a way that aligns with Islamic ethics and legal principles.

The first section of the paper introduces the concept of cyberspace and its inherent characteristics. Cyberspace refers to the virtual environment created by digital networks, such as the internet, where people can communicate, interact, and share information across the globe. The primary feature of cyberspace that distinguishes it from physical space is the absence of direct physical presence, allowing individuals to connect anonymously and often without immediate oversight. This anonymity is both a benefit and a challenge, as it enables people to freely exchange ideas and engage in various activities, but it also removes many of the traditional social and ethical boundaries that would normally regulate behavior in physical spaces. The paper notes that while cyberspace can provide many opportunities for beneficial activities, it also poses significant risks, particularly in relation to moral and ethical conduct, which can directly affect the social and religious fabric of societies (Bay & Pourghahremani, 2009).

In analyzing communication with non-mahrams, the paper examines the application of key Islamic principles such as the prohibition of unnecessary gaze, touch, and seclusion. In Islamic jurisprudence, interactions with non-mahrams are strictly regulated to prevent any potential for

sinful or immoral behavior. The prohibition of looking at non-mahrams is one of the primary rules that governs this relationship, and it applies regardless of the medium through which the interaction takes place. This rule holds even in cyberspace, where individuals may interact visually via video calls, images, or other digital means. Similarly, touching a non-mahram without necessity is also prohibited in Islamic law, and this extends to online interactions, particularly when individuals share images or engage in physical contact through digital devices, such as through virtual reality platforms. The paper emphasizes that the same principles that apply in the physical world must be adhered to in cyberspace, making it clear that these moral and ethical boundaries are not constrained by physical presence but are universal and enduring (Bastani, 2004).

The paper also addresses the significant challenges posed by cyberspace in the context of human relationships, particularly the ease with which non-mahrams can communicate. Unlike physical space, where interactions are subject to social and cultural norms, cyberspace often operates in a more fluid and less regulated environment. The accessibility of various social media platforms, chat rooms, and messaging services has made it easier for individuals to engage in continuous and sometimes inappropriate communication. The risks are further exacerbated by the fact that many of these interactions occur behind the veil of anonymity, which reduces the fear of social repercussions and can embolden individuals to engage in behavior they would otherwise avoid in the physical world. As the paper highlights, this increased ease of interaction leads to the rise of "virtual" relationships that may quickly escalate into sinful or immoral behavior. Without clear boundaries and oversight, these interactions can create a multitude of social and ethical issues, including the breakdown of familial trust and the destabilization of community values (Naqibi, 2010).

To address these issues, the paper explores several jurisprudential solutions aimed at regulating online behavior. One such solution is the promotion of ethical teachings through education and public awareness campaigns. The role of the family and community in educating individuals, especially the younger generation, about the ethical and religious guidelines for interaction with non-mahrams in cyberspace is critical. By providing clear guidance on what is permissible and what is prohibited, individuals can be better equipped to navigate the complexities of online relationships while adhering to Islamic principles. The paper stresses that the family plays a vital role in the ethical development of children, and by instilling a strong sense of moral responsibility early on, they can help prevent the formation of unhealthy relationships in the digital space. Additionally, the paper advocates for the use of modern digital tools to disseminate educational content, including religious rulings and ethical guidelines, to a wider audience (Jafari Langroudi, 2011).

In addition to education and awareness, the paper examines the need for practical measures such as legal supervision and the use of technological tools to monitor and regulate online activity. Islamic jurisprudence offers several principles that can be applied in cyberspace to prevent harmful behavior. One of these principles is the rule of "Nafi Sabil," which emphasizes preventing access to harmful or immoral content. In the digital realm, this can be achieved through the implementation of filtering systems that block access to inappropriate websites and prevent the spread of harmful materials. The paper also discusses the importance of religious oversight in cyberspace, where scholars, religious leaders, and community organizations must play an active role in monitoring online activities and providing guidance to the public. Such oversight could include the development of online platforms that encourage positive, ethical interactions and discourage harmful behaviors. Furthermore, the use of advanced technologies such as AI-based content monitoring systems can significantly reduce the chances of immoral content spreading unchecked (Pad, 1943).

Finally, the paper provides recommendations for reducing illicit communication in cyberspace, including the introduction of deterrent laws and regulations. These laws would specifically address online behaviors that are contrary to Islamic teachings, such as the distribution of explicit content,

unsolicited contact with non-mahrams, and other forms of immoral behavior. Effective enforcement of these laws would require the cooperation of governmental bodies, religious authorities, and technology companies. In addition to legal frameworks, there is also a need for greater encouragement of ethical online behavior. Social campaigns, online workshops, and public service messages can help change public attitudes toward cyberspace, emphasizing its potential for positive engagement and moral conduct. The paper concludes that by fostering a culture of ethical responsibility in cyberspace, it is possible to create a safer and more respectful digital environment that aligns with Islamic values and societal expectations (Bromand, 2004).

In conclusion, the paper emphasizes that managing communication with non-mahrams in cyberspace requires a multifaceted approach that combines jurisprudential principles with modern technological solutions and social responsibility. While the challenges presented by cyberspace are complex and multifaceted, there are clear avenues for addressing these issues from an Islamic perspective. By promoting ethical education, ensuring proper legal and religious oversight, and utilizing technological tools, it is possible to mitigate the risks associated with online interactions and ensure that cyberspace becomes a space for positive, ethical engagement that aligns with Islamic teachings. As technology continues to evolve, it is essential to remain vigilant and proactive in applying Islamic principles to new forms of communication and interaction, ensuring that the moral and social integrity of society is preserved.

References

- Ansari, B. (2008). *Mass Communication Law*. SAMT.
- Ansari, S. M. (1995). *Kitab al-Makasib* (Vol. 2). Dehaqani Publications.
- Bastani, B. (2004). *Computer Crimes: A New Aspect of Criminal Behavior*. Behnami Publications.
- Bay, H., & Pourghahremani, B. (2009). *A Jurisprudential and Legal Study of Cyber Crimes*. Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
- Behjat Fomani, M. T. (2007). *Istifta'at (Religious Queries)*. Office of Ayatollah Behjat.
- Berger, P., & Luckmann, T. (1996). *The Social Construction of Reality: A Treatise in the Sociology of Knowledge*. Andishehay Asr-e-No.
- Bromand. (2004). *Computer Crimes: A New Aspect of Criminal Behavior*. Behnami Publications.
- Hasanbeigi, E. (2005). *Law and Security in Cyberspace*. Institute for Cultural, International, and Strategic Studies.
- Jafari Langroudi, M. J. (2011). *A Concise Terminology of Law*. Ganj Danesh.
- Naqibi, S. A. (2010). Privacy in Family Relations. *Journal of Family Jurisprudence and Law (Neda-ye Sadeq)*(52).
- Nikzad, A. (2004). Relations Between Men and Women from an Islamic Perspective: Promotion, Prohibition, or Adjustment? *Women's strategic studies*(25).
- Pad, E. (1943). *Specific Criminal Law*. University of Tehran.